سال دوم. شمارۀ سوم. بهار و تابستان ۱۳۹۹
تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۱/۱۰
تاریخ تأیید مقاله: ۱۳۹۹/۰۶/۲۴

بازپژوهی شخصیت محمد بن علی طرازی و کتاب او

محمد غفوری‌نژاد[1]

چکیده

محمدبن علی طرازی از شخصیت‌های امامی نیمه اول قرن پنجم در عراق است. جد و پدر او «ابوبکر محمدبن محمد» و «ابوالحسن علی‌بن محمد طرازی»، از دانشمندان صاحب‌عنوان در منابع تراجم نگاری سنی هستند که ابتدا در بغداد و بعدها در نیشابور روزگار گذرانده‌اند. پدر او از مشایخ خطیب بغدادی است و خطیب به‌واسطه او از جدش نیز روایت می‌کرده است. تنها اطلاع ما از محمدبن علی طرازی و تألیف او، گزارش‌های ۲۳گانه ابن طاووس در دو کتاب «اقبال الأعمال» و «جمال الاسبوع» است. مضامین و محتوای این نقل‌ها نشان می‌دهد که طرازی، برخلاف پدر و جد خود که اظهار تسنّن می‌کرده‌اند، اعتقادات امامی محکمی داشته است. ابن طاووس در موضعی بر او ترحّم کرده و در موضعی دیگر با لقب احترام‌آمیز «شیخ» از او یاد کرده است. با عنایت به شواهد رجالی و حدیثی، نظریه وثاقت طرازی بعید نیست. عنوان کتاب طرازی، «الروایات الشاهدات للسعادات بالعبادات» بوده که به خط مؤلف و به‌صورت وجاده در اختیار ابن طاووس قرار داشته است. ازجمله مصادر طرازی در تألیفش، «کتاب عمل رجب» ابن عیاش جوهری، «کتاب الدعاء» أبوالمفضّل شیبانی، «کتاب الدعاء» و «کتاب أخبار أبی جعفر الثانی علیه السلام» محمّدبن وهبان بصری و «مجموع الدعوات» محمدبن هارون‌بن موسی تلعکبری بوده است.

واژگان کلیدی: محمدبن علی طرازی، وثاقت طرازی، الروایات الشاهدات للسعادات بالعبادات، سیدبن طاووس، منابع جمال الأسبوع، منابع اقبال الاعمال.

۱. دانشیار گروه شیعه‌شناسی و رئیس دانشگاه ادیان و مذاهب، واحد مشهد ghafoori@urd.ac.ir

A Review of Muḥammad ībn Alī Ṭarāzī's Character and His Book

Muhammad Ghafuri Nejad[1]

Muḥammad ībn Alī Ṭarāzī is one of the Imami figures of the first half of the fifth century in Iraq. His grandfather, Abū Bakr Muḥammad ībn Muḥammad and his father, Abū al- Ḥasan Alī ībn Muḥammad Ṭarāzī, are among prominent scholars in Sunni tarajīm's sources who lived first in Baghdad and later in Neyshabur. His father is one of Khaṭīb al-Baghdādī's teachers and Khaṭīb has narrated from his grandfather through him too. Our only information on Muḥammad ībn Alī Ṭarāzī and his compilation is through Ībn Ṭāwūs' thirty-three reports in the two books of "Īqbāl al-aʿmāl" and "jamāl al-usbū". The themes and content of these accounts suggest that Ṭarāzī, unlike his father and grandfather, who were expressing Sunni beliefs, had a strong Imami faith. Ībn Ṭāwūs has pitied him in one situation and in another one has hold him in a high esteem with the title of "shaykh" (elder/teacher). Given the rījālī and hadith evidence, the theory of Ṭarāzī's authenticity is not unlikely. The title of Ṭarāzī's book is "al-riwāyāt al-shāhidāt lil-saʿādāt bil-ʿibādāt" which was given to Ībn Ṭāwūs in the author's handwriting through wajādah. Among Tarazi's sources in his compilation are "kītāb ʿamal al-rajab" by Ībn Ayyāsh Juharī, "kītāb al-dūā" by Abū al-Mufaḍal Sheybānī, "kītāb akhbār Abī Jaʿfar al-Ṯānī (P.B.U.H.)" by Muḥammad ībn Wahbān Baṣrī and the "majmu al-daʿawāt" by Muḥammad ībn Harūn ībn Mūsā.

Keywords: Muḥammad ībn Alī Ṭarāzī, Ṭarāzī's authentication, al-riwāyāt al-shāhidāt lil-saʿādāt bil-ʿibādāt, Sayyid Ībn Ṭāwūs, sources of Īqbāl al-aʿmāl.

1. Associated professor and member of Shia Studies Department at Religions & Denominations University, Head of Mashhad's center. ghafoori@urd.ac.ir.

Vol. 2, No. 3, Spring & Summer 2020

إعادة النظر في شخصية محمدبن علي الطرازي وكتابه

محمد غفوري‌نژاد[1]

محمدبن علي الطرازي هو أحد الشخصيات الإمامية في النصف الأول من القرن الخامس في العراق. جده ووالده، أبوبكر محمدبن محمد وأبوالحسن علي‌بن محمد طرازي، علماء مشهورون في مصادر الترجمة السنية كانت حياتهم ابتدا في بغداد ومن ثم انتقلوا الي نيسابور. والده هو من شيوخ الخطيب البغدادي، ويروى الخطيب أيضا عن جده بواسطته. المعلومات الوحيدة التي لدينا عن محمدبن علي الطرازي وتأليفه هي ۲۳ رواية لابن طاووس في كتابي إقبال الأعمال وجمال الأسبوع. تظهر مواضيع ومحتوى هذه الروايات أن طرازي، على عكس والده وجده من السنة وكان لديه معتقدات إمامية قوية. أشفق عليه ابن طاووس في موقف وأشار إليه في منصب آخر بلقب «الشيخ». بالنظر إلى أدلة الرجالية والحديث فإن نظرية الأصالة ليست مستبعدة. وكان عنوان كتاب الطرازي «روايات شهود السعادة في العبادة» الذي أُعطي لابن طاووس بخط المؤلف وبالبر. ومن مصادر الأسلوب في جمعه «كتاب عمل رجب» لابن عياش جوهري، و «كتاب الدعاء» لأبي المفضل، و «كتاب الدعاء»، و «كتاب أخبار أبي جعفر الثاني (عليه السلام)» لمحمدبن وهبان البصري، و «مجموع الدعوات» لمحمدبن هارون‌بن موسي تلعكبري.

كلمات الأساسية: محمدبن علي طرازي، أمانة الطرازي، روايات شهود السعادة في العبادة، سيدبن طاوس، مصادر جمال الأسبوع، مصادر إقبال الأعمال.

۱. أستاذ مشارك بقسم الدراسات الشيعية ورئيس فرع الجامعة الأديان والمذاهب فی مشهد ghafoori@urd.ac.ir

۱. طرح مسأله

یکی از منابع سیدبن طاووس در دو کتاب «اقبال الأعمال» و «جمال الاسبوع»، کتابی از محمدبن علی طِرازی[1] است. در منابع اصلی رجال و فهرست، نامی از او و کتابش به میان نیامده است. در اهمیت تحقیق در مورد شخصیت طرازی و کتاب او، همین بس که منبع ابن طاووس در نقل ادعیه مشهور ماه رجب، صلوات شعبانیه، فضیلت و اعمال روز عید غدیر، زیارت حضرت زهرا علیهاالسلام و امام مجتبی علیه‌السلام و ... بوده است. تنها برخی رجالیان و تراجم‌نگاران قرن اخیر و دوره معاصر، به اختصار شخصیت او را مورد مطالعه قرار داده‌اند.

محقق مامقانی (م۱۳۵۱) از طریق و سند ابن طاووس به کتاب طرازی سخن گفته که شایسته بررسی است. وی مایل است اعتماد ابن طاووس به طرازی را موجب وثوق به او تلقی کند، ولی در این مسیر با این مشکل مواجه می‌شود که موارد اعتماد سید به او، تنها در ادعیه و سنن منحصر است که مجرای قاعده تسامح در ادله است. (مامقانی، بی‌تا: ۱۵۷/۳-۱۵۸) ترحم سید بر طرازی توجه نمازی را به خود جلب کرده (نمازی شاهرودی، ۱۴۱۴: ۲۳۴/۷ و ۲۴۴) و شوشتری از اینکه طرازی از ابن عیاش و ابوالفرج قزوینی نقل می‌کند، نتیجه گرفته که او از معاصران شیخ طوسی و نجاشی است. (شوشتری، ۱۴۱۰: ۴۵۱/۹؛ نیز نک: خویی، ۱۴۱۳: ۵۵/۱۸)

در این میان، آقابزرگ تهرانی بیشترین داده‌ها را در مورد طرازی و خاندان او گرد آورده است. آقابزرگ به‌درستی خاطرنشان می‌کند که در مورد طرازی، جز از طریق کتاب او که ابن طاووس پاره‌هایی از آن را برای ما نقل کرده چیزی نمی‌دانیم. وی می‌گوید از این کتاب، پس از عصر سید، نسخه‌ای دیده نشده و در هیچ منبع دیگری جز از طریق سید، نقلی از این کتاب ندیده‌ایم. وی نقل‌های سید از طرازی را نمایانگر عقاید و زمینه کاری او در نقل ادعیه و زیارات از مشایخ و مشاهیر اصحاب و تدوین آن می‌داند. آقابزرگ در مورد مشایخ طرازی، علاوه بر نامبردگان، از ابوالعباس احمدبن علی‌بن نوح، محمدبن هارون‌بن موسی تلعکبری و ابومحمد عبدالله‌بن الحسین‌بن یعقوب فارسی نام می‌برد. وی کتاب طرازی را «کتاب الدعاء و الزیارة» نامیده است. (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۱۹۵/۸)

«محمدبن علی طرازی» کیست و در چه دوره‌ای و کجا می‌زیسته است؟ با توجه به اینکه پدر و جد او چهره‌های شناخته شده‌ای در میان عالمان اهل سنت هستند، بر چه اساسی می‌توانیم او را شیعه امامی قلمداد کنیم؟ بر فرض اینکه طرازی را امامی بدانیم، وی به کدام خط فکری در امامیه

وابسته است؟ ابن طاووس چگونه به کتاب او دست یافته است؟ آیا برخی رجالیان متأخر از طریق ابن طاووس به کتاب طرازی دست یافته‌اند؟ اساساً عنوان کتاب طرازی چه بوده و مشتمل بـر چـه مطالبی بوده است؟ آیا اینکه آقابزرگ تهرانی از آن با عنـوان «کتـاب الـدعاء و الزیـارة» یـاد کـرده، صحیح است؟ طرازی در تألیف کتاب خود از چه مصادری بهره برده است؟

اینها پرسش‌هایی است که در این پژوهش در پی پاسخ آنهـا هسـتیم. بـدین منظـور پـس از جست‌وجو در منابع و اطمینان از اینکه تنها راه شناخت طرازی، گردآوری، تجزیه و تحلیل نقل قول‌های ابن طاووس از اوست، باید تمام این منقولات را استخراج و به تحلیل نشینیم. پـیش از آن لازم است در مورد خاندان طرازی، به‌ویژه پدر و جـد او انـدکی بیشـتر بـدانیم؛ چـرا کـه در شناخت شخصیت او به ما کمک خواهد کرد.

۲. خاندان طرازی

آقابزرگ تهرانی با استناد بـه داده‌هـای خطیـب بغـدادی در ترجمـه پـدر و جـد طـرازی (یعنـی ابوالحسن و ابوبکر طرازی)، نسب او را چنین بازسازی کرده است:

«محمدبن أبی الحسن علی‌بن أبی بکر محمدبن محمدبن أحمدبن عثمان‌بن أحمـد بغـدادی معروف به طرازی.»

به گفته خطیب، جد طرازی (یعنی ابوبکر محمد) پس از بغداد در نیشابور سکنا گزیده و در سال ۳۸۵ وفات یافته است. خطیب در اوایل سال ۴۱۵، هنگامی که قصد خراسان کـرده بـود، پدر طرازی را در نیشابور ملاقات کرده و از او اجازه روایـت گرفتـه اسـت. آقـابزرگ بـه نقـل از شذرات الذهب، سال وفات پدر طرازی (ابوالحسن علی) را ۴۲۲ ثبت کرده (نک: ابـن عمـاد، ۱۴۰۶: ۱۱۵/۵) و احتمال داده است که خود او بعد از پدرش تا حـوالی سـال ۴۶۰ زنـده بـوده باشد. آقابزرگ بدون ذکر منبع و مستندی، جد طرازی را از شیعیان امامی بغداد معرفی کرده کـه در عصر غلبه حنابله در بغداد می‌زیسته و تحت فشار آنـان، از بغـداد هجـرت کـرده و در بـلاد غربت، یعنی نیشابور که در آن زمان مرکز شیعه بود، رحل اقامت افکنده و تا پایان عمـر، یعنـی سال ۳۸۵ در آنجا زیسته است. پس از او، فرزندش ابوالحسن علی نیز در همان شهر باقی مانده تا آنکه خطیب بغدادی، چنان‌که گذشت، در سـال ۴۱۵ وی را ملاقـات کـرده اسـت (آقـابزرگ تهرانی، ۱۴۳۰: ۱۷۶/۲؛ ۳۰۱/۱؛ همو، ۱۴۰۳: ۱۹۵/۸).

خطیب بغدادی خاطرنشان می‌کند:

«به من خبر رسید که ابوبکر محمد طرازی زهد، عبادت و حسن مذهب اظهار می‌کرده[2]، ولی مناکیر و اباطیلی هم روایت نموده است.» (خطیب بغدادی، ١٤١٧: ٣/٤٤٤)

آقابزرگ مناکیر و اباطیلی را که خطیب به جد طرازی نسبت می‌دهد، به‌ویژه بعد از هجرت او از بغداد و سکونتش در نیشابور، که از شهرهای اصلی شیعه‌نشین بوده است، در ارتباط با نشر مضامین و معتقدات شیعی می‌داند. آقابزرگ همچنین به ترجمه پدر طرازی (یعنی ابوالحسن علی) در شذرات الذهب توجه می‌دهد که او را متوفای ۴۲۲ معرفی کرده است. (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۳۰: ۳۰۱/۱؛ همو، ۱۴۰۳: ۱۹۶/۸)

شرف‌الدین با اتخاذ موضع انتقادی نسبت به مدعیات اخیر آقابزرگ، اینکه خطیب بغدادی حسن مذهب را به ابوبکر طرازی نسبت داده، نص واضحی بر نفی تشیع او تلقی کرده است. از نظر او، اگر طرازی شیعه بود، خطیب حتماً به آن اشاره می‌کرد. شرف‌الدین می‌افزاید: «آنچه که آقابزرگ در سبب هجرت طرازی از بغداد ذکر کرده، به نظر من بعید است؛ زیرا در آن زمان دولت شیعی آل بویه بر بغداد حکم می‌راند و بزرگان شیعه همچون شیخ مفید و سید مرتضی در بغداد بودند. پس چرا آنان از بغداد مهاجرت نکردند؟» (شرف‌الدین، ۱۴۱: ۵۴۵/۱) شرف‌الدین بر همین منوال و در پی اثبات عدم تشیع جد طرازی، پدر او (یعنی ابوالحسن علی) را نیز شیعه نمی‌داند و می‌گوید اگر او شیعه بود، صاحب شذرات الذهب او را با ناسزاهایی که معمولاً نثار شیعیان می‌کند، می‌نواخت. (همان، ۵۷۵) در هر صورت باید توجه داشت که جد طرازی یک طبقه بر شیخ مفید و دو طبقه بر سید مرتضی تقدم دارد. بسیار اتفاق می‌افتد که تحولات سیاسی و اجتماعی در برهه‌های زمانی به مراتب کوتاه‌تر رخ می‌دهد. به‌علاوه هر یک از عالمان شیعه در هر دوره‌ای جایگاه اجتماعی خاص خود را داشته‌اند که چه بسا قابل قیاس با دیگران نیست. در هر روی، تحقیق بیشتر در مورد شخصیت و پدر طرازی مجالی دیگر می‌طلبد.

سخن خطیب مبنی بر اینکه جد طرازی اظهار تقشف، می‌نموده سر نخی گردید تا در منابع تاریخ تصوف و طبقات صوفیان جویای او شویم. ولی با جست‌وجو در منابع تاریخ تصوف و عرفان، جز نقل‌های معدود قیسرانی (ف۵۰۷) که با یک واسطه از ابوالحسن علی‌بن محمد طرازی روایت کرده (نک: قیسرانی، بی‌تا: ۳۳، ۲۵۷، ۳۱۶)، مطلب دیگری نیافتیم.

۳. گزارش تحلیلی نقل‌های ابن طاووس از کتاب طرازی

جست‌وجو در مصادر حدیث شیعه نشان می‌دهد تمام مواردی که نام طرازی به میان آمده، به دو کتاب «اقبال الأعمال» و «جمال الاسبوع» سیدبن طاووس باز می‌گردد. برای این منظور، منابع موجود در نرم‌افزار جامع الاحادیث ۳/۵ و در نرم‌افزار مجموعه آثار سیدبن طاووس جست‌وجو گردید، بنابراین تنها راه مطالعه شخصیت طرازی و کتاب او، تمرکز و تدقیق بر نقل قول‌های ابن طاووس در این دو کتاب است. حاصل جست‌وجوی ما دستیابی به ۲۳ مورد نقل قول از طرازی بود که در این میان، کتاب اقبال الأعمال ۲۲ مورد و کتاب جمال الاسبوع تنها یک مورد را به خود اختصاص داده‌اند.

۱- نخستین نقل ابن طاووس در اقبال در اعمال بیست‌ویکم ماه مبارک رمضان است. طرازی به سند خود از حمادبن عثمان از امام صادق علیه‌السلام، عمل و دعایی نقل می‌کند که آشکارا مضامین شیعی در آن به چشم می‌خورد. در بخش‌های مختلف این دعا، صلوات و درود بر پیامبر و آلش دیده می‌شود. در موضعی از آن از حق خداوند بر آنان و حقی که خداوند برای آنان بر خود واجب ساخته و آنان را به‌واسطه آن به فضل خود رسانیده، سخن رفته است. امام صادق علیه‌السلام در بخش پایانی دعا، از خداوند اذن در فرج کسی را طلب می‌کند که با فرجش، اولیا و اصفیای خداوند گشایش یافته و ظالمان هلاک می‌شوند. حماد پس از پایان یافتن دعا، با تعجب از امام صادق علیه‌السلام در مورد هویت آن شخص سؤال می‌کند و می‌پرسد مگر خود شما همان کسی نیستید که اولیا و اصفیا با فرجش گشایش می‌یابند؟ حضرت می‌فرماید: نه، او قائم آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است. (ابن طاووس، ۱۳۷۶: ۱/۳۶۶)

۲- سید در اعمال روز عرفه، که پیش از شروع به خواندن دعاهای این روز انجام می‌شود، متذکر این نکته می‌شود که در آن باب اختلافاتی در روایات یافته است. وی از شیخ طوسی نقل می‌کند که وی برای این موقعیت صد تکبیر، حمد و تسبیح و نیز صد مرتبه سوره توحید نقل کرده است. ولی طرازی با سند خود از امام صادق علیه‌السلام علاوه بر اینها، صد تهلیل هم نقل کرده و در عدد قرائت سوره توحید پس از آنکه صد بار را ذکر کرده، گفته است:

> «اگر خواستی، می‌توانی بر آن بیفزایی. سپس صد بار سوره قدر را بخوان».

سید در اینجا سند طرازی را ذکر نکرده است. (همان، ۲/۷۰)

۳- ابن طاووس در اقبال فصلی را به روایات فضیلت روز غدیر اختصاص داده و آن را «فصل فی... فضل یوم الغدیر، بروایة جماعة من ذوی الفضل الکثیر ...» عنوان داده است. وی سپس روایاتی از بزرگانی همچون کلینی، علی‌بن حسن‌بن فضال، شیخ صدوق، شیخ مفید، شیخ طوسی، مصنف کتاب «النشر و الطی»[3] و در نهایت محمدبن علی طرازی نقل کرده است. (ابن طاووس، ۱۳۷۶: ۲۶۳/۲) قرار دادن طرازی در عداد کسانی که نزد سید فضل بسیار داشته و از مشایخ بزرگ طائفه هستند، حکایت از جایگاه والای او نزد سید دارد. طرازی در این روایت که بنا به تصریح سید از کتاب او نقل شده، با سند متصل از مفضل‌بن عمر از امام صادق علیه‌السلام نقل می‌کند که در قیامت چهار روز فطر، قربان، جمعه و غدیر را همچون عروسی که به حجله می‌برند، نزد خداوند متعال می‌آورند. روز غدیر نسبت به سه روز دیگر همچون ماه در مقایسه با ستارگان است. خداوند فرشتگان مقرب، انبیای مرسل، اوصیای منتجب و اولیای خود بر این روز گماشته تا او را وارد بهشت کنند. حضرت سپس با تأکید بر روزه غدیر، آن را روز قبول توبه آدم، نجات ابراهیم از آتش، معرفی هارون از جانب موسی، اظهار وصایت شمعون از سوی عیسی، معرفی علی علیه‌السلام از سوی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به‌عنوان نشانه هدایت و آشکار ساختن فضیلت و وصایت او معرفی کرده و می‌فرماید: همه اینان به شکرانه این روز روزه گرفته‌اند.[4] (همان، ۲۶۴)

۴- ابن طاووس فصلی از اقبال را به اعمال روز عید غدیر اختصاص داده و متذکر شده که محتوای آن با اسناد صحیح برای او روایت شده است. سید در ادامه نقل‌های متعددی از کتاب طرازی می‌آورد و متذکر می‌شود که طرق دیگری نیز برای روایت آن دارد. احتمالاً آنچه باعث شده که مامقانی از سند و طریق ابن طاووس به طرازی سخن به میان آورد (نک: مامقانی، بی‌تا: ۱۵۸/۳)، همین عبارت سید بوده است. ازجمله سید روایتی را می‌آورد که طرازی با اسناد متصل خود از محمدبن سنان، از داوودبن کثیر رقی، از عمارةبن جوین عبدی از امام صادق علیه‌السلام نقل می‌کند. سید متذکر می‌شود که برای نقل این روایت به شیخ مفید نیز طریق دارد. طبق این نقل، عماره می‌گوید که در روز هجدهم ذی‌الحجه بر امام صادق علیه‌السلام وارد شده و آن حضرت را در حال روزه یافته است. آن حضرت آن روز را روز اکمال دین، اتمام نعمت و تجدید میثاق عهد نخست خوانده و از احترام عظیم آن سخن گفتند. سپس ثواب روزه آن را معادل روزه شصت ماه حرام معرفی کرده است. حضرت در این دستور، دعایی بعد از آن نماز انشاء فرمود که در بخشی از آن، خداوند به‌خاطر اینکه توفیق اجابت عهد نخستین را عطا فرموده و آن عهد را بعد از خلقت

مادی در این عالم تجدید کرده و آن را به یاد مؤمنان آورده، سپاس گفته می‌شود. در ادامه از خداوند درخواست می‌شود که این نعمت را تا زمان وفات نستاند. در بخشی از این دعا از تصدیق مولای مؤمنان و کفر به جبت و طاغوت و اوثان اربعه و پیروان آنان تا روز قیامت سخن رفته است. در پایان این نقل آمده است کسی که این عمل را به‌جا آورد، مانند کسی است که زیر پرچم قائم علیه‌السلام و در خیمه آن حضرت حاضر باشد. (ابن طاووس، ۱۳۷۶: ۲۷۶/۲-۲۷۹)

۵- ابن طاووس در آغاز دومین نقل خود از کتاب طرازی، در این بخش متذکر می‌شود برای نقل آن تا عبدالله‌بن جعفر حمیری سند و طریق دارد.[۵] از عبارت اینچنین به‌نظر می‌رسد که او سند طرازی تا عبدالله‌بن جعفر حمیری را بر اجازه‌ای که برای روایت آثار حمیری داشته، تعلیق کرده باشد (برای توضیح در این خصوص نک: مددی، ۱۳۹۳: ۴۵۴/۱)؛ چرا که اگر سید برای نقل این حدیث طریق دیگری غیر از طریق طرازی تا حمیری داشت، بهتر آن بود که آن را اصل قرار دهد. به هر روی حمیری با سند خود از امام صادق علیه‌السلام نقل می‌کند که حضرت روز غدیر را روز محکم شدن پایه‌های اسلام و اظهار نور دین خوانده و به گزارش وقایع آن روز پرداخته و اعمال و ادعیه‌ای برای آن بیان می‌کند. در بخشی از این دعاها، جاحدان و معاندان و مخالفان با امر خدا و رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مورد لعن قرار گرفته‌اند. (ابن طاووس، ۱۳۷۶: ۲۷۸/۲-۲۸۲)

۶- سومین نقل سید در بیان دعاهای روز غدیر، روایتی است که طرازی به اسناد خود از ابوالحسن عبدالقاهر، دربان آستان مقدس کاظمین علیهماالسلام گزارش کرده است. عبدالقاهر گوید که ابوالحسن علی‌بن حسان واسطی در سال ۳۰۰ هجری در واسط از علی‌بن حسن عبدی و او از امام صادق علیه‌السلام مطالبی در فضیلت روز غدیر شنیده است.

محقق شوشتری این سند را دارای اشکال دانسته و آورده است:

«چگونه دربان امام کاظم علیهماالسلام در سال ۳۰۰ از علی‌بن حسان واسطی ـ بر فرض که او تا این سال زنده بوده باشد ـ از کسی نقل می‌کند که از حضرت صادق علیه‌السلام سماع کرده است؟»

وی به استناد همین نکته نتیجه گرفته که نسخه‌ای که نزد سید بوده، مشوش بوده است. (شوشتری، ۱۴۱۰: ۴۰۰/۷). اشکال محقق شوشتری در نگاه اول وارد به‌نظر می‌رسد؛ زیرا طرازی که معاصر شیخ و نجاشی است، نمی‌تواند از کسی که در سال ۳۰۰ حدیث شنیده و به‌طور طبیعی باید متوفای نیمه نخست قرن چهار باشد، نقل کند. ولی باید دانست که طبق گزارش نجاشی، علی‌بن حسان واسطی از معمران بوده و نجاشی عمر او را بیش از صد سال دانسته است.

(نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۷۶) بنابراین اگر عبدی در سنین جوانی و در اواخر زندگانی امام صادق علیه‌السلام از ایشان حدیث شنیده باشد، به‌صورت طبیعی می‌توانسته تا اوایل قرن سوم زنده باشد و واسطی نیز از او حدیث بشنود. حال اگر واسطی به شهادت نجاشی بیش از صد سال عمر کرده باشد، استبعادی ندارد که عبدالقاهر، که دربان آستان کاظمین علیهماالسلام بوده، در سال ۳۰۰ از او حدیث شنیده باشد. بنابراین سند می‌تواند بدون اشکال و خالی از تشویش باشد.

از شواهد صحت این مدعا آن است که شیخ طوسی همین روایت را با سندی که دو حلقه آخر آن با سند طرازی یکسان است، در تهذیب الاحکام نقل می‌کند. (طوسی، ۱۴۰۷: ۱۴۳/۳) مقایسه سند شیخ طوسی با سند طرازی تفاوت چندانی را نشان نمی‌دهد. عجیب است که محقق شوشتری به روایت شیخ طوسی در التهذیب التفات داشته و در عین حال، سند را دارای اشکال و تشویش دانسته است. ظاهراً محقق شوشتری از عبارت «أبی الحسن عبدالقاهر بوّاب مولانا أبی إبراهیم موسی‌بن جعفر» در سند طرازی دچار خطا شده و گمان کرده است که عبدالقاهر در این عبارت، مسؤول ملاقات‌های امام کاظم علیه‌السلام در زمان حیات آن حضرت معرفی شده و ازاین‌رو به نسخه سید نسبت تشویش داده است.

به هر روی، طبق این نقل، غدیر «عید الله الاکبر» است و خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نفرموده، مگر آنکه این روز را عید می‌گرفته است. نام این روز در آسمان «روز عهد معهود» و در زمین «روز میثاق مأخوذ و جمع مشهود» است. در بخشی از این گزارش، امام صادق علیه‌السلام سه‌بار قسم یاد می‌کند که خداوند روزی عظیم‌تر از این روز نیافریده است. نیز روزه این روز مانند روزه عمر دنیا و معادل صد حج و صد عمره معرفی شده و برای اطعام یک مؤمن در آن، ثواب اطعام یک میلیون پیامبر، صدیق، شهید و صالح در روزگار قحطی و گرسنگی بیان گردیده است. (ابن طاووس، ۱۳۷۶: ۲۸۲/۲-۲۸۳) در این نقل دعایی طولانی برای روز غدیر نقل شده که مشحون از مضامین شیعی خالص است. (همان، ۲۸۳-۲۸۹)

۷- سید در فصلی از اقبال که به روز بیستم جمادی الثانی، سالروز ولادت حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام اختصاص یافته، زیارتی برای آن حضرت از طرازی نقل می‌کند. در این زیارت نیز مضامین شیعی متعددی همچون شهید، مظلوم و معصوم بودن آن حضرت، غصب حق و منع ارث آن حضرت، مظلومیت امیرالمؤمنین علیه‌السلام، کشته شدن فرزند و برخی آزارهایی که بعد از رحلت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بر بدن مبارک آن حضرت وارد شد، به چشم می‌آید. (همان، ۱۶۳/۳- ۱۶۷)

۸- سید در ضمن اعمال ماه رجب و شعبان نیز نقل‌هایی متعدد از طرازی دارد. (همان، ۲۰۹)

۹- وی در ادامه دعای «اللهم إنی اسألک صبر الشاکرین لک...» را با اسناد طرازی از یونس‌بن ظبیان نقل می‌کند. طرازی این روایت را مسنداً به ترتیب از ابوالفرج قزوینی، محمدبن احمدبن محمدبن سنان، احمدبن محمدبن سنان، محمدبن سنان و یونس‌بن ظبیان نقل می‌کند. آقابزرگ تهرانی این سند را عالی شمرده است. (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۳۰: ۱۸۸/۲) یونس در این نقل گوید: نزد امام صادق علیه‌السلام بودیم که معلی‌بن خنیس وارد شد و از آن حضرت خواست دعایی به او بیاموزد که تمام آنچه را شیعه در کتاب‌هایش به ودیعه گذاشته است، دربر داشته باشد. حضرت صادق علیه‌السلام پس از تعلیم این دعا به معلی فرمود: به خدا سوگند که این دعا تمام تعالیم ابراهیم علیه‌السلام تا پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را دربر دارد. (ابن طاووس، ۱۳۷۶: ۲۱۰/۳)

۱۰- سید در ادامه دعای «یا من ارجوه لکل خیر...» را از کتاب طرازی نقل می‌کند. طرازی سند متصل خود را تا محمدبن ذکوان، که بر اساس گزارش او به‌خاطر سجده زیاد به سجاد ملقب گردیده بود، پیش می‌برد. (همان؛ برای نقل دیگری از این حدیث: نک: کشی، ۱۴۰۹: ۳۶۹؛ برای دیدگاه‌های دیگر در مورد نام راوی بلاواسطه نک: مامقانی، بی‌تا: ۱۱۵/۳؛ شوشتری، ۱۴۱۰: ۲۶۰/۹، ۲۷۲، ۲۷۵)

۱۱- سید در مورد ایام البیض ماه رجب روایتی از کتاب طرازی ذکر می‌کند که به این امت سه ماه رجب، شعبان و رمضان داده شده که به هیچ امتی داده نشده بود؛ نیز سه شب سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم هر ماه و سه سوره یس، ملک و توحید عطا گردیده که اختصاص به آن دارد. پس هر کس میان این سه جمع کند، برترین عطایای این امت را به‌دست آورده است. (ابن طاووس، ۱۳۷۶: ۲۲۹/۳)

۱۲- سید برای شب نیمه ماه رجب عملی را از الروایات الشاهدات با اسناد طرازی نقل می‌کند. خواهیم گفت که این عنوان کتاب طرازی است. طرازی این حدیث را از یکی از مشایخش به نام عبدالله‌بن حسین فارسی در بغداد دریافته و با سند متصل از حریزبن عبدالله سجستانی نقل می‌کند. (همان، ۲۳۲)

۱۳- در نقل بعدی که موضوع آن عملی برای شب ۲۷ رجب است، طرازی از سه طریق حدیثی از امام جواد علیه‌السلام نقل می‌کند. هر سه طریق به محمدبن عفیر ضبّی (یا عنبی) منتهی

می‌شود. او طبق سند دوم با یک واسطه و طبق دو سند دیگر، بلاواسطه از امام جواد علیه‌السلام روایت کرده است. (همان، ۲۶۵)

۱۴- سید در اعمال شب ۲۷ رجب متذکر شده که طرازی نماز شب نیمه رجب را برای شب ۲۷ نیز وارد دانسته است. سید این نماز را از کتاب مواطن الاجتهاد فی الظفر بسعادة المعاد[6] به روایت از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز نقل می‌کند. (همان، ۲۶۷)

۱۵- ابن طاووس در اعمال روز ۲۷ رجب نیز نمازی را از طرازی از احمدبن علی‌بن نـوح، شیخ نجاشی، با اسناد خود از حسین‌بن روح نقل می‌کند. (همان، ۲۷۴) سید متـذکر می‌شـود که شیخ مفید نیز این نماز را به همین گونه نقل کرده است. (همان، ۲۷۶)

۱۶- سید همچنین دعایی را برای این روز از طرازی گزارش می‌کند. (همان)

۱۷- ابن طاووس صلوات شعبانیه را از شیخ طوسی و طرازی نقـل می‌کنـد. سـید در اینجـا تصریح می‌کند که کتاب طرازی را به خط خود او در اختیار داشته است (= و وجـدناه بخطـه). ظاهر عبارت او در اینجا گویای آن است که وی به نحو وجاده به این کتاب دست یافتـه اسـت. (همان، ۲۹۹)

۱۸ و ۱۹- ابن طاووس در اعمال شب نیمه شعبان نمازی را از شیخ طوسی نقل می‌کند کـه پس از آن، دعا و سجده با اذکار خاصی وارد شده است. وی سپس دو روایت دیگر در مورد این سجده از کتاب طرازی نقل می‌کند. (همان، ۳۱۷)

۲۰ و ۲۱- سید نماز دیگری در چهار رکعت برای این شب از طرازی نقل می‌کنـد. بـا آنکـه این نماز از طریقی دیگر از شیخ طوسی برای ابن طاووس نقل شده بوده، ولی سید تـرجیح داده که نقل طرازی را که مشتمل بر نکته اضافه‌ای است، مقدم کرده و آن را اصل قرار دهد. (همـان، ۳۱۸) سید در ادامه دعایی دیگر برای این شب از طرازی گزارش می‌کند. (همان، ۳۱۹)

۲۲- سید نمازی برای شب نیمه شـعبان در حـرم امـام حسـین علیه‌السلام از کتـاب طـرازی نقـل می‌کند و اینجا نیز تصریح می‌کند که کتاب به خط مؤلف در اختیـارش بـوده اسـت. متأسـفانه تلعکبری به تصریح خود، سند این نقل را اسقاط کرده است. (همان، ۳۴۷) در بخشی از دعایی که پس از این نماز گزارش شده، نام تمام امامان علیهم‌السلام به چشم می‌آید. (همان، ۳۴۹)

۲۳- تنها گزارش ابن طاووس از کتاب طرازی در غیـر از کتـاب اقبـال الأعمـال، در جمـاع الاسبوع او انعکاس یافته است. وی در فصل سوم کتاب، هر یک از ایام هفته را منتسب به یک یا

چند معصوم دانسته و برای هر معصوم، زیارتی در آن روز آورده است (ابن طاووس، ۱۳۳۰: ۲۵-۳۹) ازجمله روز دوشنبه را منتسب به حسنین علیهما السلام دانسته و زیارتی برای امام مجتبی علیه السلام نقل کرده و مصدر خود را «کتاب الشیخ علی‌بن محمد الطرازی» معرفی کرده است. (همان، ۳۲) بی‌گمان «علی‌بن محمد» در این نقل، مقلوب «محمدبن علی» است. اینکه نام پدر طرازی، علی‌بن محمد طرازی بوده است، نباید ما را در این توهم واقع کند که شاید سید از مصدری دیگر (یعنی کتابی از طرازی پدر) زیارت را نقل کرده است.

۴. جدول منقولات ابن طاووس از کتاب طرازی

در جدول زیر منقولات ابن طاووس از کتاب طرازی که مشتمل بر برخی جزئیات مرتبط با این نقل‌ها و عین عبارات ابن طاووس است، ملاحظه می‌شود.

ردیف	موضوع	منبع	وضعیت نقل طرازی	نقل موازی از غیر طریق طرازی	سند طرازی
۱	دعای روز ۲۱ ماه رمضان	اقبال الأعمال، ۳۶۶/۱	مسند	ندارد	رواه محمدبن علی الطّرازی قال: عن عبد الباقی‌بن یزداد أَیده اللَّه، قال: أَخبرنی أَبوعبداللَّه محمّدبن وهبان‌بن محمّد البصری، قال: حدّثنا أَبوعلی محمّدبن الحسن‌بن جمهور، قال: حدّثنا أَبی، عن أَبیه محمّد، عن حمّادبن عیسی، عن حمّادبن عثمان قال: دخلت علی أَبی عبداللَّه علیه السلام
۲	اعمال روز عرفه پیش از شروع در ادعیه	اقبال الأعمال، ۷۰/۲	مرسل	دارد (شیخ طوسی با کمی اختلاف) «اعلم اننی وجدت فی الروایات اختلافا فیما نذکره قبل الشروع فی الدعوات، فقال جدّی أبوجعفر الطوسی ...»	...و قال محمدبن علی الطرازی فی کتابه بإسناده عن الصادق علیه السلام
۳	فضیلت روز	اقبال	مرسل	ندارد	رواه محمدبن علی‌بن محمد

	غدیر	الأعمال، ۲۶۴/۲			الطرازی فی کتابه، بإسناده المتّصل إلی المفضّل‌بن عمرقال: قال لی ابوعبداللّه علیه‌السلام
۴	فضیلت روز غدیر	اقبال الأعمال، ۲۷۶/۲	مرسل	دارد (شیخ مفید) «و رویناه بإسنادنا أیضا إلی الشیخ المفید محمّدبن محمّدبن النّعمان، فیما رواه عن عمارةبن جوین أبی هارون العبدی أیضا»	ذکره و رواه محمّدبن علی الطّرازی فی کتابه، عن محمّدبن سنان، عن داودبن کثیر الرّقی، عن عمارةبن جوین أبی هارون العبدی، قال: دخلت علی أبی عبداللّه علیه‌السلام
۵	فضیلت روز غدیر	اقبال الأعمال، ۲۷۹/۲	مرسل	احتمالاً سید، سند طرازی را بر اجازه به آثار حمیری تعلیق کرده است	ذکره محمّدبن علی الطّرازی فی کتابه رویناه بإسنادنا إلی عبداللّه‌بن جعفر الحمیری قال: حدّثنا هارون‌بن مسلم، عن أبی الحسن اللّیثی، عن أبی عبداللّه جعفربن محمّد علیهما‌السلام
۶	فضیلت روز غدیر	اقبال الأعمال، ۲۸۲/۲	مرسل	ندارد	نقلناه من کتاب محمّدبن علی الطّرازی بإسناده إلی أبی‌الحسن عبدالقاهر بوّاب مولانا أبی إبراهیم موسی‌بن جعفر و أبی‌جعفر محمّدبن علی علیهما‌السلام قال: حدّثنا ابوالحسن علی‌بن حسّان الواسطی بواسط فی سنة ثلاثمائة قال: حدّثنی علی‌بن الحسن العبدی قال: سمعت أباعبداللّه جعفربن محمّد الصّادق علیه‌السلام
۷	زیارت حضرت زهرا علیها‌السلام	اقبال الأعمال، ۱۶۳/۳	مرسل	ندارد	فلنذکر زیارة لها ذکرها محمدبن علی الطرازی

۸	دعاهای هر روز ماه رجب (دعای «خاب الوافدون علی غیرک...»)	اقبال الأعمال، ۲۰۹/۳	مسند	دارد «رويناها عن جماعة»	رويناها عن جماعة و نذكرها بإسناد محمّدبن علی الطرازی من كتابه قال: أخبرنا أحمدبن محمّدبن عياش رضی اللّه عنه، قال: حدّثنا أحمدبن محمّدبن سهل المعروف بابن أبی الغريب الضبّی، قال: حدّثنا الحسن‌بن محمّدبن جمهور، قال: حدّثنی محمّدبن الحسين الصائغ، عن محمدبن الحسين الزّاهری، من ولد زاهر مولی عمروبن الحمق و زاهر الشهيد بالطفّ، عن عبداللّه‌بن مسكان، عن أبی معشر، عن أبی‌عبداللّه علیه‌السلام
۹	ادعیه هر روز ماه رجب (دعای«اللهم انی اسألک صبرالشاكرين لک»)	اقبال الأعمال، ۲۱۰/۳	مسند	ندارد	ذكره الطرازی أيضاً فی كتابه، فقال: ابوالفرج محمّدبن موسی القزوينی الكاتب رحمه اللّه، قال: أخبرنی ابوعيسی محمّدبن أحمدبن محمّدبن سنان، عن أبيه، عن جدّه محمّدبن سنان، عن يونس‌بن ظبيان قال: كنت عند مولای أبی عبداللّه علیه‌السلام
۱۰	دعاهای هر روز ماه رجب (دعای «يا من ارجوه لكل خير»)	اقبال الأعمال، ۲۱۰/۳	مسند	ندارد	ذكره الطّرازی أيضاً فقال: دعاء علّمه ابوعبداللّه علیه‌السلام محمّد السّجاد، و هو محمّدبن ذكوان يعرف بالسّجاد... روی ابوالحسن علی‌بن محمّد البرسی رضی اللّه عنه، قال: أخبرنا الحسين‌بن أحمدبن شيبان، قال: حدّثنا حمزةبن القاسم العلوی العباسی، قال: حدّثنا محمّدبن عبداللّه‌بن عمران البرقی، عن محمّدبن علی الهمدانی، قال: أخبرنی محمّدبن سنان، عن محمّد السجاد فی حديث طويل، قال: قلت

					لأبی عبدالله علیه السلام
۱۱	اعمال ایام البیض رجب	اقبال الأعمال، ۲۲۹/۳	مسند	ندارد	محمدبن علی الطرازی فقال ما هذا لفظه: أخبرهم ابوالحسین أحمدبن أحمدبن سعید الکاتب رضی الله عنه قال: حدثنا ابوالعباس أحمدبن محمدبن سعید، قال: حدثنا محمدبن علی القیانی، قال: سمعت جدی، یقول: سمعت أحمدبن أبی العیفاء، یقول: قال جعفربن محمد علیه السلام
۱۲	عمل شب نیمه رجب	اقبال الأعمال، ۲۳۲/۳	مسند	ندارد	وجدنا ذلك فی الروایات الشاهدات للسعادات بالعبادات بإسناد محمدبن علی الطرازی، فقال ما هذا لفظه: ابومحمد عبداللّه‌بن الحسین‌بن یعقوب الفارسی رضی اللّه عنه ببغداد، قال: حدثنا محمدبن علی‌بن معمر، قال: حدثنا حمدان‌بن المعافی، قال: حدثنا عبداللّه‌بن نجران، عن حمادبن عیسی، عن حریزبن عبداللّه قال: قال ابوعبداللّه جعفربن محمد علیهما السلام
۱۳	عمل شب ۲۷ رجب	اقبال الأعمال، ۲۶۵/۳	۱- مسند ۲- مسند ۳- مرسل	دارد «ممّا رویناه عن الثقات فی عدة روایات»	منها: ما رواه محمدبن علی الطرازی فقال فی کتابه ما هذا لفظه: ۱- عدّة من أصحابنا قالوا: حدثنا القاضی عبد الباقی‌بن قانع‌بن مروان، قال، حدثنی مروان، قال: حدثنی محمدبن زکریا الغلابی، قال: حدثنا محمدبن عفیر العنبی، عن أبی جعفر الثانی علیه السلام. ۲- و حدثنا ابوالمفضّل محمدبن عبداللّه رحمه اللّه إملاءً ببغداد، قال: حدثنا جعفربن علی‌بن سهل‌بن

					فروخ ابوالفضل الدقاق، قال: حدثنا جعفربن محمدبن زكريا الغلابى، عن العباس‌بن بكار، عن محمدبن عفير الضّبى، عمن حدثه عن أبى جعفر الثانى عليه‌السلام. ۳- و أخبرنا محمدبن وهبان، قال: حدّثنا محمدبن عفير الضبى، عن أبى جعفر الثانى عليه‌السلام
۱۴	نماز دیگری در شب ۲۷ رجب	اقبال الأعمال، ۲۶۸/۳	مرسل	دارد (با کمی اختلاف) «وجدناها فى مواطن الاجتهاد فى الظفر بسعادة المعاد، مروياً عن النبى صلى‌الله‌عليه‌وآله قال: من صلّى... اثنتى عشرة ركعة ...	و قد تقدّمت روايتنا فى ليلة النصف من رجب عن حريزبن عبداللّه عن الصادق عليه‌السلام باثنتى عشرة ركعة على الوصف الّذى ذكرناه. ذكر محمدبن على الطرازى انّها تصلّى ليلة سبع و عشرين من رجب أيضا، و قال: فإذا فرغت...
۱۵	اعمال روز ۲۷ رجب	اقبال الأعمال، ۲۷۲/۳	مسند	دارد (شیخ مفید و دیگران با کمی اختلاف) «و نحن نذكر منها عدة روايات و ان اتّفقت فى عدد الركعات فإنّها تختلف فى بعض المرادات...» «و ذكر شيخنا المفيد فى كتاب التواريخ الشرعية مثل هذه الصّلاة على السّواء...»	فمن ذلك ما رواه محمدبن على الطرازى رحمه اللّه فى كتابه فقال: ...أبوالعباس أحمدبن على‌بن نوح رضى اللّه عنه قال: حدثنى ابوأحمد المحسن‌بن عبد الحكم السنجرى، و كتبته من أصل كتابه، قال فى نسخته: نسخت من كتاب أبى نصر جعفربن محمدبن الحسن‌بن الهيثم، و ذكر انه خرج من جهة أبى القاسم الحسين‌بن روح قدس اللّه روحه
۱۶	دعای روز ۲۷ رجب	اقبال الأعمال، ۲۷۶/۳	مرسل	ندارد	رواه محمدبن على الطرازى بإسناده إلى أبى على‌بن إسماعيل‌بن يسار قال: لمّا حمل موسى عليه‌السلام إلى بغداد، و كان ذلك فى رجب سنة تسع و سبعين و مائة دعا بهذا الدّعاء

۱۷	صلوات شعبانیه	اقبال الأعمال، ۲۹۹/۳	مرسل	دارد (شیخ طوسی) «رویناه بعدّة طرق إلی جدّی أبی جعفر الطوسی»	رواه محمدبن علی الطرازی فی کتابه و وجدناه بخطّه، فقالا فیما رویا عن محمدبن یحیی العطار، قال: حدثنی أحمدبن محمد السیاری، قال: حدثنی العباس‌بن مجاهد، عن أبیه قال: کان علی‌بن الحسین علیهما السلام
۱۸	سجده بعد از دعای شب نیمه شعبان	اقبال الأعمال، ۳۱۴/۳ - ۳۱۷	مرسل	دارد (شیخ طوسی با کمی اختلاف) «روینا ذلك بإسنادنا إلی جدّی أبی جعفر الطّوسی فیما رواه عن أبی یحیی، عن جعفربن محمّد الصّادق علیه السلام قال: سئل الباقر علیه السلام »	روایة أخری فی هذه السجدة بعد هذا الدّعاء رواها محمّدبن علی الطرازی فی کتابه، فقال: ثم تسجد...
۱۹	سجده بعد از دعای شب نیمه شعبان	اقبال الأعمال، ۳۱۷/۳	مرسل	دارد (شیخ طوسی با کمی اختلاف)	روایة أخری فی هذه السجدة بعد هذا الدّعاء من کتاب محمّدبن علی الطرازی: و روی محمّدبن علی الطّرازی فی کتابه أنّ مولانا الصّادق جعفربن محمّد علیهما السلام
۲۰	چهار رکعت نماز دیگر در شب نیمه شعبان	اقبال الأعمال، ۳۱۸/۳	مسند	دارد (شیخ طوسی با کمی اختلاف) «و روینا هذه الأربع رکعات و هذا الدّعاء بإسنادنا إلی جدی أبی جعفر الطوسی»	فیما نذکره من صلاة أربع رکعات أخری فی لیلة النصف من شعبان وجدناها فی کتاب الطرازی فقال ما هذا لفظه: صلاة أخری...
۲۱	دعای در شب نیمه شعبان	اقبال الأعمال، ۳۱۹/۳	مرسل	ندارد	و ذکر الطرازی بعد هذه الصلاة و الدعاء، فقال ما هذا لفظه: و مما یدعی به...

۲۲	نماز شب نیمه شعبان در حرم امام حسین علیه‌السلام	اقبال الأعمال، ۳/ ۳٤٧؛ جمال الاسبوع، ۲۷۰	مرسل	ندارد	و هی منقولة من خطّ محمدبن علی الطرازی فی کتابه، فقال ما هذا لفظه: و نقلت من خطّ الشیخ أبی الحسن محمدبن هارون أحسن اللّٰه توفیقه ما ذکر انّه حذف إسناده قال:...
۲۳	زیارت امام مجتبی علیه‌السلام	جمال الاسبوع، ۳۲	مرسل	ندارد	زِیارَةُ أَبِی مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ‌بن عَلِی‌بن أَبِی طَالِبٍ علیه‌السلام مِنْ کِتَابِ الشَّیخِ عَلِی‌بن مُحَمَّدٍ [کذا] الطِّرَازِی: السَّلَامُ عَلَیك...

۵. تحلیل و استنتاج از داده‌ها

از تحلیل و بررسی داده‌های این جدول نکاتی روشن می‌شود:

۱- سید در عبارت ردیف ۱۲ می‌گوید که در الروایات الشاهدات للسعادت بالعبادات مطلبی را با اسناد طرازی یافته است. اولاً هرچند سید تصریح نکرده، ولی عنوان فوق باید نام کتابی باشد که مصدر سید در این نقل است. ثانیاً چون مطلبی که سید نقل می‌کند به اسناد طرازی است، پس این عنوان باید نام کتاب طرازی باشد. بنابراین اینکه آقابزرگ کتاب طرازی را کتاب الدعاء و الزیارة (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۱۹۵/۸) یا کتاب الدعاء نامیده (همو، ۱۴۳۰: ۳۰۱/۱؛ همان، ۱۲۹/۲)، صحیح نیست.

۲- ابن طاووس در ۱۶ مورد از این نقل‌های ۲۳گانه تصریح کرده که مطلب را از کتاب طرازی نقل می‌کند. وی در دو موضع (ردیف‌های ۱۷ و ۲۲) اشاره می‌کند که نسخه اصلی کتاب طرازی را به خط مؤلف آن در اختیار دارد. معلوم نیست که ابن طاووس بر اساس چه قراینی به این اطمینان رسیده بوده است. خواهیم گفت که ابن طاووس قطعاً به‌صورت وجاده بر کتاب طرازی دست یافته است. با عنایت به این نکته، اگر واقعاً نسخه اصلی کتاب طرازی پس از دو قرن به‌دست ابن طاووس رسیده باشد، با توجه به اینکه سید در هیچ یک از آثار موجودش جز اقبال الأعمال و موضعی از جمال الاسبوع، هیچ اطلاعی از نحوه دستیابی خود بر کتاب به‌دست نداده، می‌توان نتیجه گرفت که طرازی عالمی منزوی بوده که شاگردانی نداشته، یا در

شرایط تقیه می‌زیسته است. گذشت که پدر و جد او از عالمان شناخته شده اهل سنت در بغداد و نیشابور بوده‌اند و این نکته احتمال زندگی تقیه‌ای او را تأیید می‌کند.

۳- سیدبن طاووس به کتاب طرازی طریق نداشته و دستیابی او به آن از طریق وجاده بوده است. چنان‌که در جدول بالا ملاحظه می‌شود، عمده تعبیرات سید در نقل از کتاب، از قبیل «رواه»، «ذکره»، «نقلناه من کتاب...» و «قال» است. وی در ردیف ۱۲ تعبیر «وجدنا ذلک فی کتاب...» و در ردیف ۱۷ «وجدناه بخطه» و در ردیف ۱۹ «وجدناها فی کتاب...» را به‌کار برده که تصریح بر وجاده است. البته سید در سه مورد از این نقل‌ها، عبارت «رُوّینا» را به‌کار برده است (ردیف‌های ۵، ۸ و ۱۳) که ظهور در نقل با اجازه و همراه با مراعات ضوابط دارد. در این میان، سید در دو مورد (ردیف‌های ۸ و ۱۳) به تصریح خود، غیر از کتاب طرازی، طرق دیگری نیز برای دریافت مطلب داشته و استفاده از تعبیر «رُوّینا» باید معطوف به آن طرق باشد. شاهد بر این مدعا، عبارت سید در ردیف ۱۷ است. وی می‌گوید: «رویناه بعدّة طرق إلی جدّی أبی جعفر الطوسی و رواه محمدبن علی الطرازی». (ابن طاووس، ۱۳۷۶: ۲۹۹/۳) اگر سید به کتاب طرازی طریق می‌داشت، وجهی نداشت که تعبیر را از «رُوّیناه» که آن را در مورد شیخ طوسی به‌کار برده بود، در نقل از طرازی به «رواه» تغییر دهد. مؤید دیگر عبارت وی در ردیف ۱۹ است. وی ابتدا تصریح می‌کند که چهار رکعت نماز شب نیمه شعبان را در کتاب طرازی یافته است (وجدناها فی کتاب الطرازی...)، سپس می‌آورد: «و روینا هذه الأربع رکعات و هذا الدّعاء بإسنادنا إلی جدی أبی جعفر الطوسی». تغییر عبارت در اینجا نیز مؤید مدعای ماست. ضمن آنکه در نقل‌های ۲۳گانه ابن طاووس از کتاب طرازی، هیچ سخنی در مورد طریق او به کتاب دیده نمی‌شود و سید هیچ گاه از واسطه‌ای میان خود و طرازی سخن نمی‌گوید.

ناگفته نماند که تعبیر وی در ردیف ۵ قدری تردیدآمیز است؛ زیرا در اینجا سید سخنی از طریق دیگر به مطلب منقول ندارد. سید گوید: «ذکره محمّدبن علی الطّرازی فی کتابه رویناه بإسنادنا إلی عبداللّهبن جعفر الحمیری». بر اساس شواهد و قراین پیش‌گفته، که وجاده‌ای بودن نقل ابن طاووس از کتاب طرازی را تأیید می‌کند، در اینجا یا باید بگوییم سید غیر از کتاب طرازی، طریق دیگری برای تلقی این روایت داشته که سخنی از آن به میان نیاورده و تعبیر

«روبناه» ناظر به آن است. یا آنکه سید در اینجا برخلاف ضوابط محدثان برجسته و ائمه‌شان، مرتکب تعلیق سند بر اجازه شده است؛ به این معنا کـه گویـا سـند طـرازی در ایـن موضـع بـه حمیری منتهی می‌شده و از آنجا که سیدبن طاووس برای نقل آثار حمیری اجـازه داشـته اسـت، سند طرازی را بر اجازه خود از حمیری تعلیق کرده و چون به طرازی اعتماد داشته و کتاب را بـه خط او می‌دانسته، از تعبیر «رُوبناه» استفاده کرده است. محتمـل اسـت در دو مـورد دیگـر نیـز همین اتفاق افتاده باشد. بنابراین، اینکه محقق مامقانی از سید نقل کرده که او به کتـاب طـرازی «سند و طریق» دارد (مامقانی، بی‌تا: ۱۵۸/۳)، صحیح نمی‌نماید.

۴- گفتیم که پدر و جد طرازی از شخصیت‌های شناخته شده در میان عالمـان اهـل سـنت زمان خود بوده‌اند. ولی آن بخش از گزارش‌های طرازی که ابن طاووس در کتاب خود مـنعکس کرده است، بیشتر به امامان معصوم یا شخصیت‌های امامی مهم، که جـز امامیـان از آنـان نقـل نمی‌کننـد، منتهـی می‌شـود. در ایـن میـان، ۱۲ نقـل از امـام صـادق علیه‌السلام ، یـک مـورد از امـام سجاد علیه‌السلام ، یک مورد از امام کاظم علیه‌السلام و یک مورد از جناب حسین‌بن روح نوبختی، که نیابت خاص امام عصر علیه‌السلام را بر عهده داشته، به چشم می‌خورد. همچنین طرازی نقلی از نوشته‌ای به خط محمدبن هارون [بن موسی تلعکبری] داشته که پدرش در میان امامیـان شخصـیتی ممتـاز دارد. به‌علاوه مضامینی که طرازی در کتاب خود آورده بوده، نه تنها مضامینی صددرصد شـیعی است و احتمال نمی‌رود که مخالفان دست به نقل آن بزنند، بلکه نشان می‌دهد کـه طـرازی بـه جریان نیمه افراطی امامیه وابستگی فکری داشته است. حضور متهمان به غلو یا غالیانی از قبیل محمدبن حسن‌بن جمهور، مفضل‌بن عمر، محمدبن سنان (به‌صورت مکـرر)، داوودبـن کثیـر رقی، یونس‌بن ظبیان و احمدبن محمد سیاری در اسناد منقولات او، از مؤیدات این ادعاسـت. توجه به این نکته در شناسایی مذهب طرازی بسیار مهم است.

۵- سید در عبارت منقول در ردیف ۳، طرازی را در ردیف شخصیت‌هایی همچون کلینـی، صدوق، مفید و طوسی قرار داده و در تیتر مطلب از آنان با عنوان «جماعة ذوی الفضل الکثیـر» یاد کرده است. وی بر اساس عبارت منقول در ردیف ۱۵، بر طرازی ترحم کرده و در نقل ردیف ۲۳، از وی با لقب احترام آمیز «شیخ» یاد کرده است. با عنایت به اینکه سید کتاب طرازی را در

اختیار داشته است، استعمال چنین تعبیراتی از سوی او می‌تواند ما را به این اطمینان برساند که در کتاب او مطلب منکری وجود نداشته و سید به او وثوق داشته است، چنان‌که نقل‌های پرشمار او در اقبال از این اعتماد پرده برمی‌دارد.

گفتیم که سید طریقی به کتاب طرازی نداشته است. از همین رو، در دو موضع تصریح کرده که کتاب را به خط مؤلف در اختیار داشته تا خواننده را به این اطمینان برساند که نباید نگران نحوه دستیابی سید به این منبع باشد. در اینجا این نکته را متذکر می‌شویم که این تصریح می‌تواند کاشف از آن باشد که ابن طاووس از ناحیه شخصیت طرازی نگرانی نداشته، گویا همین که ابن طاووس کتاب طرازی را به خط خودش در اختیار داشته، برای احراز صحت طریق تا طرازی و اطمینان از بی‌عیب بودن این بخش از طریق، نزد او کفایت می‌کرده است.

۶- در میان موارد ۲۳گانه، ابن طاووس در ۸ مورد، غیر از نقل طرازی، به طرق دیگری برای نقل مطلب دسترسی داشته که ۵ مورد آنها به جدش شیخ طوسی و ۲ مورد به شیخ مفید منتهی می‌شود. مواردی نیز هست که سید به ابهام و اجمال برگزار کرده و طرق دیگر خود را به‌صورت واضح ذکر نکرده و به این عبارت که «از عده‌ای از ثقات» یا «از جماعتی برای ما روایت شده» (مانند ردیف ۸)، اکتفا نموده است. این نقل‌های موازی می‌تواند میزان اعتماد ما به نقل‌های طرازی را بالا برده و در حصول وثوق به او نقش ایفا نماید. شایان ذکر است در این تحلیل آماری صرفاً به داده‌های سیدبن طاووس در اقبال بسنده شده است. چه بسا اگر به جست‌وجوی منقولات سید از طرازی در دیگر مصادر بپردازیم، به موارد بیشتری از نقل‌های موازی دست می‌یابیم.

۷- در میان ۲۳ مورد نقل ابن طاووس از طرازی، در ۱۱ مورد منقول عنه بلاواسطه طرازی ذکر شده است. در میان ۱۲ موارد باقی مانده، گاه نقل سید بدون نامی از معصوم منقول عنه، و گاه تنها با ذکر نام او همراه است؛ احیانا به ذکر راوی بلاواسطه از معصوم اکتفا شده و بقیه راویان حذف شده‌اند. گاه نیز علاوه بر او، یک یا چند تن دیگر از راویان ذکر گردیده‌اند.

حلقه‌های تشکیل دهنده زنجیره سند در موارد یازده‌گانه در جدول زیر منعکس گردیده است:[۷]

ردیف	شماره گزارش	منقول عنه طرازی	مشایخ مع الواسطه۱	مشایخ مع الواسطه۲	مشایخ مع الواسطه۳	مشایخ مع الواسطه۴	مشایخ مع الواسطه۵	مشایخ مع الواسطه۶	مشایخ مع الواسطه۷	معصوم
۱	۱	عن عبدالباقی‌بن یزداد أَیده اللّه	أَبوعبداللّه محمّدبن وهبان‌بن محمّد البصری	أَبوعلی محمّدبن الحسن بن جمهور	أَبی	أَبیه محمّد	حمّادبن عیسی	حمّادبن عثمان	---	أَبی عبداللّه علیه‌السلام
۲	۸	أخبرنا أحمدبن محمّدبن عیاش رضی اللّه عنه	أحمدبن محمّدبن سهل المعروف بابن أبی الغریب	الضبّی	الحسن بن محمّدبن جمهور	محمّدبن الحسین الصائغ	محمدبن الحسین الزّاهری	عبداللّه بن مسکان	أبی معشر	أبی عبداللّه علیه‌السلام
۳	۹	ابوالفرج محمّدبن موسی القزوینی الکاتب رحمه اللّه	أخبرنی ابوعیسی محمّدبن أحمدبن محمّدبن سنان	أبیه	جدّه محمّد بن سنان	یونس‌بن ظبیان	---	---	---	أبی عبداللّه علیه‌السلام
۴	۱۰	روی ابوالحسن علی‌بن محمّد البرسی رضی اللّه عنه...»	الحسین‌بن أحمدبن شیبان	حمزةبن القاسم العلوی العباسی	محمّدبن عبداللّه‌بن عمران البرقی	محمّدبن علی الهمدانی	محمّد بن سنان	محمّد السجاد	---	أبی عبداللّه علیه‌السلام
۵	۱۱	أخبرهم ابوالحسین أحمدبن أحمدبن سعید الکاتب رضی اللّه عنه	ابوالعباس أحمدبن محمدبن سعید	محمدبن علی القیانی	جدی	أحمدبن أبی العیفاء				جعفربن محمد علیه‌السلام
۶	۱۲	ابومحمد عبداللّه‌بن	محمدبن علی‌بن	حمدان‌بن	عبداللّه بن	حمادبن عیسی	حریزبن عبداللّه	---	---	ابوعبداللّه جعفربن

		الحسین‌بن یعقوب الفارسی رضی اللّه عنه	معمر	المعافی	نجران					محمد علیه‌السلام
۷	۱۳	عدّة من أصحابنا	القاضی عبدالباقی بن قانع‌بن مروان	مروان	محمدبن زکریا الغلابی	محمدبن عفیر العنبی	---	---	---	أبی جعفر الثانی علیه‌السلام
۸	۱۳	حدثنا ابوالمفضّل محمدبن عبداللّه رحمه اللّه	جعفربن علی‌بن سهل‌بن فروخ ابوالفضل الدقاق	جعفربن محمدبن زکریا الغلابی	العباس بن بکار	محمدبن عفیر الضّبی	عمن حدثه	---	---	أبی جعفر الثانی علیه‌السلام
۹	۱۳	و أخبرنا محمدبن وهبان				محمدبن عفیر الضبی		---	---	أبی جعفر الثانی علیه‌السلام
۱۰	۱۵	أبوالعباس أحمدبن علی‌بن نوح رضی اللّه عنه	ابوأحمد المحسن بن عبد الحکم السنجری	أبی نصر جعفربن محمدبن الحسن‌بن الهیثم	جهة أبی القاسم الحسین بن روح قدس اللّه روحه	---	---	---	---	----
۱۱	۲۲	و نقلت من خط الشیخ أبی الحسن [کذا] محمد بن هارون أحسن اللَّه توفیقه ما ذکر أنه حذف إسناده...»	---	----	-----	---	---	---	---	---

۶. بررسی مشایخ طرازی

در میان موارد یازده‌گانه، در یک مورد از تعبیر مبهم «عدة من اصحابنا» استفاده شده است. ما اکنون با ۱۰ شخصیت مواجه هستیم که طرازی بدون ذکر واسطه از آنان نقل می‌کند و احتمال می‌رود که اینان مشایخ بلاواسطه او باشند. اکنون ضروری است این موارد را یک‌به‌یک مورد مطالعه قرار دهیم تا از رهگذر آن، اطلاعات بیشتری درباره شخصیت طرازی استحصال نماییم.

۵-۱. عبدالباقی‌بن یزداد

طرازی سندش را با عبارت «عن عبدالباقی‌بن یزداد ایده الله» آغاز کرده است. این نشان می‌دهد که طرازی کتابش را در زمان حیات او نگاشته و از او اجازه داشته است. در اصول رجالی نامی از عبدالباقی برده نشده است. وی از مشایخ طبری صغیر بوده[۸] و گزارشی به نقل از او در دلائل الامامه وجود دارد که بر اساس آن، عبدالباقی در رجب سال ۳۷۰ از عبدالله‌بن محمد ثعالبی اخذ حدیث کرده است. بر اساس ضبط طبری، نام کامل او أَبوالْقَاسِمِ عَبْدُالْبَاقِی‌بن یَزْدَادَبن عبداللَّه الْبَزَّاز است. این همان گزارشی است که طبق آن، سعد اشعری به ملاقات امام عسکری علیه‌السلام نائل شده (طبری، ۱۴۱۳: ۵۰۶) و نجاشی تضعیف و ادعای موضوع بودن آن را از بعض اصحاب نقل کرده است. (نجاشی، ۱۳۶۵: ۱۷۶؛ نیز نک: نمازی شاهرودی، ۱۴۱۴: ۳۶۷/۴؛ شوشتری، ۱۴۱۰: ۵۵/۶)

۶-۲. احمدبن محمّدبن عیاش [الجوهری] (ف۴۰۱)

عبارت طرازی در مقام نقل از ابن عیاش چنین است: «أخبرنا أحمدبن محمّدبن عیاش رضی اللّه عنه». این عبارت صریح در آن است که ابن عیاش از مشایخ بلاواسطه طرازی بوده و طرازی از وی اجازه داشته یا سماع کرده است. نیز دانسته می‌شود که ابن عیاش در زمان نوشتن کتاب او از دنیا رفته بوده است. از آنجا که نجاشی و شیخ طوسی سالمرگ ابن عیاش را ۴۰۱ هجری ثبت کرده‌اند، دانسته می‌شود که طرازی کتاب را پس از این سال نوشته است. ابوعبدالله احمدبن محمدبن عبید الله‌بن حسن‌بن عیاش‌بن إبراهیم‌بن أیوب جوهری از دوستان نجاشی و پدر او بوده است. نجاشی گوید که از او بسیار شنیده، ولی چون دیده که مشایخش او را تضعیف می‌کنند، از او چیزی روایت نکرده است. نجاشی بر او ترحم کرده و از خداوند خواسته که با او مسامحه کند. (نجاشی، ۱۳۶۵: ۸۵-۸۶) شیخ طوسی در رجال خود او را کثیرالروایه معرفی کرده و از اختلال

امر او در پایان عمرش خبر داده است. شیخ گوید که به‌واسطه جماعتی از اصحاب از او روایت می‌کند. (طوسی، ۱۳۷۳: ۴۱۳) شیخ و نجاشی در عداد آثار او از کتاب عمل رجب نام برده‌اند که احتمالاً منبع طرازی بوده است. (نجاشی، ۱۳۶۵: ۸۵-۸۶؛ طوسی، ۱۴۲۰: ۷۸)

۶-۳. ابوالفرج محمّدبن موسی القزوینی الکاتب

طرازی سند خود را با عبارت «ابوالفرج محمّدبن موسی القزوینی الکاتب رحمه اللّه» آغاز کرده است. از ترحم وی بر قزوینی دانسته می‌شود که وی را می‌شناخته و از او اجازه داشته است. نجاشی وی را ثقه، صحیح الروایه و واضح الطریقه خوانده است. وی تصریح کرده که این شیخ را دیده، ولی اتفاق نیفتاده که چیزی از او سماع کند. (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۹۷) نیز نجاشی در ترجمه احمدبن محمدبن جعفر آورده که احمد در سال ۳۵۳ هجری به بغداد آمده و ابوالفرج از راویان او بوده است. (همان، ۸۴) وی همچنین در ترجمه سلیمان‌بن سفیان به مناسبت نقل مطلبی از ابوالفرج بر او ترحم کرده است. (همان، ۱۸۴) آقابزرگ تهرانی احتمالات و شواهدی بر اینکه قزوینی در اواخر قرن چهارم وفات یافته یا اینکه اوایل قرن پنجم را نیز درک کرده، اقامه کرده که محل تأمل است. (آقابزرگ، ۱۴۳۰: ۱۸۷/۲-۱۸۸)

۶-۴. ابوالحسن علی‌بن محمّد البرسی

طرازی سند خود را با عبارت «روی ابوالحسن علی‌بن محمّد البرسی رضی اللّه عنه» آغاز کرده است. از ترضی طرازی بر او معلوم می‌شود که وی را می‌شناخته است. اما اینکه او هنگام نقل از برسی، از تعابیری همچون «أخبرنا» و «حدّثنا» استفاده نمی‌کند و عبارت «روی» را به‌کار می‌برد، بیانگر این نکته است که طرازی از او اجازه نقل نداشته است. مصادر رجالی متقدم نامی از برسی نبرده‌اند. رجالیان متأخر و معاصر نیز تنها اطلاعی که از او به‌دست داده‌اند، همین روایت سید در اقبال است. اینان ترضی طرازی بر برسی را به ابن طاووس نسبت داده و گویا در صدد بوده‌اند حُسن حال بُرسی را از آن استفاده کنند. (نک: مامقانی، بی‌تا: ۳۰۳/۲؛ نمازی شاهرودی، ۱۴۱۴: ۴۳۹/۵؛ نیز نک: شوشتری، ۱۴۱۰: ۵۴۳/۷) آقابزرگ تهرانی متذکر گردیده که نباید نام او را تصحیفی از ابوالحسن علی‌بن محمد قرشی (ف۳۴۸) دانست؛ زیرا قرشی از مشایخ احمدبن

عبدالواحد و او هم از مشایخ نجاشی و شیخ طوسی است، در حالی که طرازی بر اساس برداشت او، با این دو، معاصر و هم‌طبقه است. (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۳۰: ۱۷۵/۲-۱۷۶)

۶-۵. ابوالحسین أحمدبن أحمدبن سعید الکاتب

طرازی سند خود را با عبارت «أخبرهم ابوالحسین أحمدبن أحمدبن سعید الکاتب رضی اللّه عنه» آغاز می‌کند. این عبارت نشان می‌دهد که اولاً خود طرازی طریق یا اجازه‌ای به احمد کاتب نداشته است؛ وگر نه باید از عبارت «اخبرنا» استفاده می‌کرد. ثانیاً در زمان کتابت او احمد کاتب از دنیا رفته بوده است. مؤید نکته نخست آن است که نجاشی گوید: «برای یادگیری قرآن به مسجد لؤلؤی، یا همان مسجد نفطویه نحوی رفت‌وآمد داشته و در آنجا جماعتی از اصحاب را می‌دیده که کتاب کافی را بر ابوالحسین احمدبن احمد کوفی کاتب می‌خوانده‌اند.» (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۷۷)

این خاطرات نجاشی باید مربوط به ایام کودکی یا نوجوانی وی باشد. آقابزرگ این ملاقات را به‌طور تخمینی، مربوط به حدود سال ۳۸۰ هجری، زمانی که نجاشی ۷ یا ۸ سال داشت، دانسته است. (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۳۰: ۱۹/۱)

وحید بهبهانی نقل نجاشی را ناظر به حسن حال او دانسته است. (به نقل از: مازندرانی حائری، ۱۴۱۶: ۲۳۱/۱) محقق مامقانی خاطرنشان کرده که عنوان «احمدبن احمد کاتب» را جز در کتاب وحید بهبهانی نیافته است. او گمان کرده است که این عنوان در کتاب وحید، تصحیفی از احمدبن اسماعیل کاتب است. (مامقانی، بی‌تا: ۴۹/۱) محقق شوشتری نیز احتمال تصحیف احمدبن احمد از احمدبن علی در کلام نجاشی را مطرح و شواهدی بر آن اقامه کرده است. (شوشتری، ۱۴۱۰: ۳۸۶/۱) گویا هیچ یک از این دو به روایت سید در اقبال التفات نیافته‌اند. در میان رجالیان معاصر، نمازی شاهرودی، بیشترین اطلاعات از منقولات احمد کاتب را گردآورده است. (نمازی شاهرودی، ۱۴۱۴: ۲۵۵/۱)

۶-۶. ابومحمد عبداللّه‌بن الحسین‌بن یعقوب الفارسی

طرازی سند خود را با عبارت «ابومحمد عبداللّه‌بن الحسین‌بن یعقوب الفارسی رضی اللّه عنه» آغاز می‌کند. ظاهر آن است که طرازی از او اجازه نقل داشته است. نجاشی وی را شیخی از وجوه اصحاب و محدثان و فقهای آنان شمرده و یادآور گردیده که او را دیده، ولی از او سماع نکرده

است. عنوان تنها کتابی که نجاشی برای او ذکر کرده، «أنس الوحید» است. (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۳۰؛ از آنجا: حلی، ۱۴۱۱: ۱۱۲؛ ابن داوود، ۱۳۴۲: ۲۰۲) چنان‌که از نام کتاب برمی‌آید، احتمال دارد مشتمل بر ادعیه و آداب و مأخذ طرازی بوده باشد. رجالیان مکتب اصفهان نیز همچون علامه حلی و ابن داوود، چیزی بر داده‌های نجاشی نیفزوده‌اند. (نک: حسینی حلی، ۱۴۲۸: ۲۱۹؛ استرآبادی، ۱۴۲۲: ۲۳/۷-۲۴؛ تفرشی، ۱۳۷۷: ۹۹/۳؛ قهپایی، ۱۳۶۴: ۹۳/۷-۹۴؛ بصری، ۱۴۲۲: ۱۲۴؛ نراقی، ۱۴۲۲: ۲۸۲) مامقانی داده‌های نجاشی در حق او را کمتر از توثیق ارزیابی نکرده است. (مامقانی، بی‌تا: ۱۷۹/۲) نمازی شاهرودی به روایت علی‌بن عبدالواحد نهدی از او در اقبال الأعمال (ابن طاووس، ۱۳۷۶: ۵۳/۱) اشاره کرده و ترحم نهدی بر او، توجه او را به خود جلب کرده است. وی ترضّی طرازی بر فارسی را ظاهراً به سید نسبت داده است. (نمازی شاهرودی، ۱۴۱۴: ۵۲۰/۴) شوشتریعنوان نکردن فارسی از سوی شیخ در رجال و فهرست را به احتمال زیاد، معلول عدم وقوف شیخ بر او و کتابش دانسته است. (شوشتری، ۱۴۱۰: ۳۲۱/۶) آقابزرگ تهرانی بر اساس اسناد برخی نسخ مقاتل الطالبیین، فارسی را از راویان این کتاب از ابوالفرج اصفهانی (ف۳۵۶) معرفی کرده است. (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۳۰: ۱۵۳/۱)

۶-۷. أبوالمفضّل محمدبن عبدالله [الشیبانی] (۲۹۷-۳۸۷ه ق)

طرازی گوید: «و حدثنا أبوالمفضّل محمدبن عبداللّه رحمه اللّه إملاءً ببغداد». از این عبارت دانسته می‌شود که طرازی در جلسه املاء ابوالمفضل شیبانی در بغداد حضور می‌یافته است. نیز دانسته می‌شود که طرازی کتابش را بعد از مرگ شیبانی نگاشته است. چنان‌که از عبارت طرازی در نقل از ابن عیاش بیان شد، او کتابش را پس از ۴۰۱ هجری نگاشته است. نجاشی در مورد ابوالمفضل شیبانی گوید که او در طلب حدیث، عمرش را به سفر گذرانید. وی در اوایل کارش دقیق بود، ولی بعداً دچار خلط گردید. نجاشی همچنین گوید که بیشتر اصحاب را دیده که ابوالمفضل را تضعیف و او را طعن می‌کنند. وی همچنین گوید ابوالمفضل را دیده و از او بسیار شنیده است، ولی بعداً از روایت کردن از او دست کشیده، مگر در صورتی که شخص دیگری واسطه نقل از ابوالمفضل باشد. نجاشی در بیان آثار او، از کتاب الدعاء نام می‌برد (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۶۹) که احتمال دارد منبع طرازی در نقل از شیبانی باشد. ابن غضائری در عباراتی تند، شیبانی را «وضّاع» و «کثیر المناکیر» خوانده و می‌گوید که در بررسی آثار او گاه اسانید

خوب و متون دارای اشکال و گاه متون صحیح و اسانید مشکل دیده است.[۹] وی در ارزیابی نهایی ابوالمفضل، به ترک منفردات او رأی می‌دهد. (ابن غضائری، ۱۴۲۲: ۹۸-۹۹) شیخ در رجال نیز او را کثیر الروایه خوانده و به تضعیفات قوم نسبت به او اشاره کرده است. شیخ از خود شیبانی اجازه ندارد و به‌واسطه جماعتی از اصحاب از او نقل می‌کند. (طوسی، ۱۳۷۳: ۴۴۷؛ رک: سید شبیری و ملکیان، ۱۳۹۸: ۹۷) وی ازجمله کتاب کافی را به‌واسطه حسین‌بن عبیدالله غضائری از شیبانی و او از کلینی روایت می‌کند. (همو، ۱۴۲۰: ۳۹۴) خطیب بغدادی، شیبانی را متولد ۲۹۷ و متوفای ۳۸۷ معرفی می‌کند. (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ۳/۸۷-۸۸؛ از آنجا: آقابزرگ تهرانی، ۱۴۳۰: ۱/۲۸۰-۲۸۱)

۶-۸. ابوعبدالله محمدبن وهبان‌بن محمد البصری

بر اساس گزارش‌های ابن طاووس، طرازی یک نقل مستقیم از محمدبن وهبان دارد که سند خود را با عبارت «و أخبرنا محمدبن وهبان » آغاز کرده است. و نقلی نیز با واسطه عبدالباقی‌بن یزداد از وی دارد که این بار نام او را به‌صورت کامل‌تر (ابوعبداللَّه محمّدبن وهبان‌بن محمّد البصری) ضبط کرده است. بر اساس گزارش شیخ طوسی، ابن وهبان به لقب «هنائی» و «دبیلی» نیز شناخته می‌شده و تلعکبری (ف۳۸۵) از او روایت می‌کرده است. (طوسی، ۱۳۷۳: ۴۴۴) نجاشی او را ثقه، واضح الروایه و قلیل التخلیط دانسته است. از اینکه نجاشی او را «ساکن البصره» معرفی کرده و از تعابیری نظیر «سکن البصره» استفاده نکرده، برداشت می‌شود که وی در زمان گزارش نجاشی در قید حیات بوده است. این عبارت می‌تواند ناظر به سخن شیخ طوسی و تصحیح آن نیز باشد که ابن وهبان را «بصری» معرفی کرده است. نجاشی طریقی به ابن وهبان ذکر نکرده است. وی در بیان آثار او، از کتاب الدعاء و نیز کتاب أخبار أبی جعفر الثانی علیه‌السلام نام برده که می‌تواند منبع نقل‌های طرازی و ابن یزداد باشد. (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۹۶-۳۹۷) دعای اویس قرنی که ابن طاووس در مهج الدعوات از همین نویسنده نقل کرده، باید از کتاب الدعاء او گرفته شده باشد. (نک: شوشتری، ۱۴۱۰: ۹/۶۳۳) آقابزرگ تهرانی به روایت خزاز قمی از ابن وهبان در کفایة الاثر خود اشاره کرده است. (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۳۰: ۱/۳۱۰)

۶-۹. أبوالعباس أحمدبن علی‌بن نوح

طرازی سند را با عبارت «أبوالعباس أحمدبن علی‌بن نوح رضی اللّه عنه» آغاز کرده که ظهور در مُجاز بودن وی در نقل از ابن نوح دارد. نجاشی او را به غایت ستوده و او را ثقه، متقن، فقیه، بصیر در حدیث و روایت معرفی کرده است. او استاد و شیخ نجاشی بوده و نجاشی از استفاده‌های خود از او سخن گفته است. (نجاشی، ۱۳۶۵: ۸۶) گویا ابن نوح نیز به نجاشی علاقمند بوده و از همین رو، وصیت کرده که بخشی از کتبش را پس از مرگش به نجاشی بدهند. (همان، ۶۷ و ۱۱۸) شیخ در رجال او را توثیق کرده (طوسی، ۱۳۷۳: ۴۱۷)، ولی در فهرست ضمن ستایش او، به این نکته اشاره کرده که «از ابن نوح مذاهب فاسده‌ای همچون قول به رؤیت و غیر آن حکایت شده است». (همو، ۱۴۲۰: ۸۷؛ از آنجا: حلی، ۱۴۱۱: ۱۸؛ ابن داوود، ۱۳۴۲: ۴۲۴) شیخ در منبع پیشین متذکر گردیده که دیروقتی نیست که ابن نوح درگذشته است، ولی چون وی ساکن بصره بوده، موفق به ملاقات با او نشده است. (طوسی، ۱۴۲۰: ۸۷) آقابزرگ تهرانی از تحلیل برخی داده‌های شیخ طوسی و مطالعه قراین، تاریخ وفات ابن نوح را حدود ۴۲۳ هجری دانسته است. (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۳۰: ۱۹/۲)

۶-۱۰. ابوالحسن محمدبن هارون

طرازی در مقام نقل از این شیخ آورده است: «و نقلت من خطّ الشیخ أبی الحسن محمدبن هارون أحسن اللّٰه توفیقه ما ذکر انّه حذف إسناده». این عبارت نشان می‌دهد که اولاً محمدبن هارون در زمان کتابت کتاب طرازی در قید حیات بوده است. ثانیاً کتاب یا نوشته‌ای از ابن هارون به خط خودش در اختیار طرازی بوده است.[۱۰] با جست‌وجو در منابع رجالی به این نتیجه می‌رسیم که تنها شخصیتی که این عنوان قابل تطبیق بر اوست، ابوالحسین محمدبن هارون‌بن موسی تلعکبری است. آقابزرگ تهرانی نیز به همین نتیجه رسیده است. (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۳۰: ۱۷۵/۲) در اصول رجالی تنها موردی که نامی از وی به میان آمده، در فهرست نجاشی است که در ترجمه احمدبن محمدبن ربیع است. نجاشی در اینجا از «ابوالحسین محمدبن هارون‌بن موسی رحمه الله» از پدرش هارون‌بن موسی مطلبی را نقل می‌کند. (نجاشی، ۱۳۶۵: ۷۹) ترحم نجاشی بر او توجه رجالیان را به خود جلب کرده است. (خویی، ۱۴۱۳: ۳۳۶/۱۸؛ شوشتری، ۱۴۱۰: ۶۳۹/۹) همچنین نجاشی در ترجمه هارون‌بن موسی تلعکبری آورده است:

«با پسرش ابوجعفر در خانه او حاضر می‌شدم، در حالی که مـردم بـر او قرائـت می‌کردنـد.» (نجاشی، ۱۳۶۵: ۴۳۹)

برخی احتمال داده‌اند ابوجعفر در این عبـارت، تحریفـی از ابوحسـین یـا بـالعکس باشـد. (امین، ۱۴۰۳: ۸۲/۱۰) احتمال دیگر آن است کـه محمـد دو کنیـه داشـته باشـد. (شوشـتری، ۱۴۱۰: ۶۳۹/۹) آقابزرگ تهرانی از اینکه شیخ طوسی از برادر محمد، یعنی حسین‌بن هـارون‌بن موسی روایت می‌کند، ولی از محمد روایت نمی‌کند، نتیجه گرفته که محمد قبـل از سـال ۴۰۸ هجری که سال ورود طوسی به بغداد است، درگذشته است. آقابزرگ همچنین از کتاب مجمـوع الدعوات محمدبن هارون یاد کرده که از مصادر البلـد الامـین بـوده و کفعمـی از آن بـا عنـوان مجموع التلعکبری یاد کرده است. (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۳۰: ۱۸۸/۲-۱۸۹) این می‌تواند همـان منبعی باشد که طرازی آن را به خط مؤلف در اختیار داشته و از آن نقل کرده است.

نتیجه‌گیری

محمدبن علی طرازی از شخصیت‌های کمتر شناخته امامی عراق بوده و کتابی با موضوع ادعیه و زیارات نگاشته که به خط خود او پس از دو قرن به دست سیدبن طاووس رسیده است. سید تنها در دو کتاب اقبال الأعمال و جمال الاسبوع خود از طرازی و کتاب او یاد کرده و بخش‌هایی از آن را گزارش کرده است. فراوانی این نقل‌ها در مجموع به ۲۳ مورد می‌رسد که در این میان، ۲۲ مورد در کتاب اقبال الأعمال و ۱ مورد در کتاب جمال الاسبوع منعکس گردیده است. ابن طاووس در موضعی بر طرازی ترحم کرده و در جایی دیگر از او با لقب احترام‌آمیز «شیخ» یاد کرده است. عنوان اصلی کتاب طرازی، الروایات الشاهدات للسعادات بالعبادات بوده که آقابزرگ تهرانی و کلبرگ بر آن تفطن نیافته‌اند. چنین به‌نظر می‌رسد برخلاف تلقی محقق مامقانی، ابن طاووس طریقی برای نقل از طرازی نداشته و به نحو وجاده بر کتاب او دست یافته است.

هرچند پدر و جد طرازی در میان عالمان اهل سنت عنوان و شهرتی داشته‌اند، ولی بررسی مضامین روایات و اخبار منقول از کتاب طرازی حکایت از آن دارد که خود او قطعاً اعتقادات امامی محکمی داشته است. چه‌بسا مجموعه شواهد و قراین رجالی و حدیثی، ازجمله ترحم ابن طاووس، کثرت نقل او، القاب احترام‌آمیزی که برای وی به‌کار برده، وجود طرق موازی متعدد برای منقولات طرازی و...، موجب حصول اطمینان به وثاقت طرازی گردد. لااقل می‌توان ادعا کرد که ابن طاووس طرازی را ثقه می‌دانسته است. بررسی حیات مشایخ طرازی نشان می‌دهد که حیات علمی او در نیمه اول قرن پنجم در سرزمین عراق (بیشتر در شهرهای بغداد و احتمالاً بصره) رقم خورده است. ظواهر امر حکایت از آن دارد که در طرازی از میان ده نفری که از آنان نقل کرده، از عبد الباقی‌بن یزداد، ابن عیاش جوهری، ابوالفرج قزوینی، عبدالله‌بن حسین فارسی، ابوالمفضل شیبانی، محمدبن وهبان بصری و احمدبن علی‌بن نوح اجازه روایت داشته است. طرازی در تألیف کتاب خود احتمالاً از منابعی همچون کتاب عمل رجب ابن عیاش جوهری، کتاب الدعاء ابوالمفضّل شیبانی، کتاب الدعاء و کتاب أخبار أبی جعفر الثانی علیه السلام محمّدبن وهبان بصری، و کتاب مجموع الدعوات محمدبن هارون‌بن موسی تلعکبری، که کفعمی آن را مجموع التلعکبری می‌خوانده، بهره برده است.

پی‌نوشت‌ها

۱- مامقانی ضبط واژه را به کسر طاء و تخفیف راء می‌داند و «طراز» را نام محله‌ای در مرو، محله‌ای در اصفهان و شهری سردسیر در دیار ترک عنوان می‌کند. وی خاطرنشان می‌کند که در دو مورد اخیر، گاهی به فتح طاء نیز تلفظ می‌گردد. (مامقانی، بی‌تا: ۱۵۷/۳) چنان‌که زبیدی اشاره کرده، این واژه می‌تواند به‌معنای «نگارگر» (=رقّام) نیز باشد. زبیدی پس از ذکر این معنا، به جد طرازی اشاره کرده و لفظ «رقام» را به‌عنوان لقب او ذکر کرده است. (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴: ۸۸/۸)

۲- تعبیر خطیب چنین است: «و کان فیما بلغنی یظهر التقشف و حسن المذهب». «تقشف» در لغت به‌معنای عدم التزام به نظافت لباس است. در اینجا ظاهراً کنایه از زندگی زاهدانه و صوفیانه است.

۳- در مورد مؤلف این کتاب، نقل‌های ابن طاووس از آن و اطلاعاتی دیگر در مورد آن، نک: کلبرگ، ۱۳۷۱: ۴۶۹.

٤- این حدیث را علی‌بن یوسف‌بن مطهر حلی (برادر علامه حلی) در کتاب العدد القویه خود بدون سند از مفضل نقل کرده است. (حلی، علی، ۱۴۰۸: ۱۶۸-۱۶۹)

۵- و من الدّعوات فی یوم عید الغدیر ما ذکره محمّد بن علی الطّرازی فی کتابه رویناه بإسنادنا إلی عبداللّه‌بن جعفر الحمیری قال: ... .

٦- سیدبن طاووس در آثارش فقط در همین موضع از این کتاب یاد کرده است. به اطلاعات بیشتری در این خصوص دست نیافتیم. محققان معاصر همچون آقابزرگ و اتان کلبرگ نیز نامی از این کتاب نبرده‌اند.

۷- تعابیر و عناوین مندرج در جدول، عیناً تعابیر طرازی طبق گزارش ابن طاووس است.

۸- برخی دلائل الامامه را متنی جعلی و طبری صغیر را شخصیتی غیر واقعی دانسته‌اند. (انصاری، ۱۳۹۳)

۹- رأیت کتبه، و فیها الأسانید من دون المتون، و المتون من دون الأسانید.

۱۰- این نشان می‌دهد دعای طولانی که سید در مهج الدعوات از امام صادق علیه‌السلام نقل کرده (ابن طاووس، ۱۴۱۱: ۱۷۵-۱۸۴) و در پایان آن آورده است: «کتبته من مجموع بخط الشیخ الجلیل أبی الحسین محمدبن هارون التلعکبری أدام الله تأییده هکذا کان فی الأصل»، به احتمال قوی از کتاب طرازی نقل شده که کتاب محمدبن هارون را به خط خودش در اختیار داشته است. (کلبرگ، ۱۳۷۱: ۳۸۸) این نکته می‌تواند در مورد دیگر نقل‌های ابن طاووس از محمدبن هارون تلعکبری، که کلبرگ فهرستی از آن به دست داده، نیز صادق باشد.

منابع و مآخذ

۱. آقابزرگ تهرانی، محمدمحسن (۱۴۰۳ق)، ***الذریعة إلی تصانیف الشیعة***، بیروت: دار الأضواء.

۲. ـــــــــــــــــــــــــ (۱۴۳۰ق)، ***طبقات أعلام الشیعة***، بیروت: دار إحیاء التراث العربی.

۳. ابن داوود حلی، حسن‌بن علی (۱۳۴۲ش)، ***کتاب الرجال***، تهران: دانشگاه تهران.

۴. ابن طاووس، علی‌بن موسی (۱۳۳۰ق)، ***جمال الأسبوع بکمال العمل المشروع***، قم: دار الرضی.

۵. ـــــــــــــــــــــــــ (۱۳۷۶ش)، ***الاقبال بالأعمال الحسنة*** قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

۶. ـــــــــــــــــــــــــ (۱۴۱۱ق)، ***مهج الدعوات و منهج العبادات***، قم: دار الذخائر.

۷. ابن عماد، عبدالحی‌بن احمد (۱۴۰۶ق)، ***شذرات الذهب فی أخبار من ذهب***، دمشق: دار ابن کثیر.

۸. ابن غضائری، احمدبن حسین (۱۴۲۲ق)، ***الرجال***، قم: دارالحدیث.

۹. استرآبادی، محمدبن علی (۱۴۲۲ق)، ***منهج المقال فی تحقیق أحوال الرجال***، قم: مؤسسة آل البیت ﷺ لإحیاء التراث.

۱۰. امین، محسن (۱۴۰۳ق)، ***أعیان الشیعة***، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.

۱۱. انصاری، حسن (۱۳۹۳ش)، «متن شیعی مجعول و منسوب به محمدبن جریر طبری»، https://ansari.kateban.com/post/2166.

۱۲. بصری، احمدبن عبدالرضا (۱۴۲۲ق)، ***فائق المقال فی الحدیث و الرجال***، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث.

۱۳. تفرشی، مصطفی‌بن حسین (۱۳۷۷ش)، ***نقد الرجال***، قم: مؤسسة آل البیت ﷺ لإحیاء التراث.

۱۴. حسینی زبیدی، محمد مرتضی (۱۴۱۴ق)، ***تاج العروس من جواهر القاموس***، بیروت: بی‌نا.

۱۵. حسینی حلی، حسین‌بن کمال الدین ابرز (۱۴۲۸ق)، ***زبدة الأقوال فی خلاصة الرجال***، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.

۱۶. حلی، علی‌بن یوسف‌بن المطهر (۱۴۰۸ق)، ***العدد القویة لدفع المخاوف الیومیه***، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.

۱۷. حلی، حسن‌بن یوسف‌بن مطهر (۱۴۱۱ق)، ***رجال العلامة الحلی***، نجف اشرف: دار الذخائر.

۱۸. خطیب بغدادی، احمدبن علی (۱۴۱۷ق)، ***تاریخ بغداد***، بیروت: دار الکتب العلمیة.

۱۹. خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۳ق)، ***معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة***، بی‌جا: بی‌نا.

۲۰. سیدشبیری، سید محمدجواد، محمدباقر ملکیان (۱۳۹۸ش)، «درنگی بر نسخه تصحیح‌شده فهرست شیخ طوسی توسط سید عبدالعزیز طباطبایی»، ***مطالعات اعتبارسنجی حدیث***، مشهد: دوره اول، شماره اول، بهار و تابستان، ص ۸۵-۱۱۶.

۲۱. شرف‌الدین، عبدالله (۱۴۱۱ق)، ***مع موسوعات رجال الشیعة***، لندن: الارشاد.

۲۲. شوشتری، محمدتقی (۱۴۱۰ق)، ***قاموس الرجال***، قم: جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیة بقم.

۲۳. طبری آملی صغیر، محمدبن جریربن رستم (۱۴۱۳ق)، ***دلائل الإمامة***، قم: بعثت.

۲۴. طوسی، محمدبن الحسن (۱۳۷۳ش)، ***رجال الطوسی***، قم: مؤسسة النشر الاسلامی.

۲۵. ـــــــــــــ (۱۴۰۷ق)، ***تهذیب الأحکام***، تحقیق: خرسان، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

۲۶. ـــــــــــــ (۱۴۱۱ق)، ***مصباح المتهجّد و سلاح المتعبّد***، بیروت: مؤسسة فقه الشیعه.

۲۷. ـــــــــــــ (۱۴۲۰ق)، ***فهرست کتب الشیعة و أصولهم و أسماء المصنّفین و أصحاب الأصول***، قم: مکتبة المحقق الطباطبایی.

۲۸. قهپایی، عنایةالله (۱۳۶۴ش)، ***مجمع الرجال***، قم: اسماعیلیان.

۲۹. قیسرانی، محمدبن طاهر، ***صفوة التصوف***، بیروت: دار الکتب العلمیة.

۳۰. کشی، محمدبن عمر (۱۴۰۹ق)، ***رجال الکشی: إختیار معرفة الرجال***، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد.

۳۱. کلبرگ، اتان (۱۳۷۱ش)، ***کتابخانه ابن طاووس و احوال و آثار او***، ترجمه علی قرائی و رسول جعفریان، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.

۳۲. مازندرانی حائری، محمدبن اسماعیل (۱۴۱۶ق)، ***منتهی المقال فی أحوال الرجال***، قم: مؤسسة آل البیت علیهم‌السلام لإحیاء التراث.

۳۳. مامقانی، عبدالله (بی‌تا)، ***تنقیح المقال فی علم الرجال***، بی‌جا: بی‌نا.

۳۴. مجلسی، محمدباقربن محمدتقی (۱۴۰۳ق)، ***بحار الأنوار***، بیروت: دار احیاء التراث.

۳۵. ________________ (۱۴۲۳ق)، ***زاد المعاد - مفتاح الجنان***، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.

۳۶. مددی، سید احمد (۱۳۹۳ش)، ***الحاشیة علی «الرعایة لحال البدایة فی علم الدرایة» للشهید الثانی***، در: مددی، سید احمد (۱۳۹۳ش)، ***نگاهی به دریا***، ۱، صص۴۲۷-۴۵۵، قم: مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه.

۳۷. نجاشی، احمدبن علی (۱۳۶۵ش)، ***رجال النجاشی***، قم: مؤسسة النشر الاسلامی.

۳۸. نراقی، ابوالقاسم‌بن محمد (۱۴۲۲ق)، ***شعب المقال فی درجات الرجال***، قم: کنگره بزرگداشت محققان ملا مهدی و ملا احمد نراقی.

۳۹. نمازی شاهرودی، علی (۱۴۱۴ق)، ***مستدرکات علم رجال الحدیث***، تهران.